یادداشت

چالش‌های آتی جهان عرب

به نقل از نشریه پروجکت سیندیکیت چاپ آمریکا، امروزه پس از جنگ شش روزه در خاور نزدیک که در نتیجه آن اسرائیل بخش شرقی بیت المقدس و کرانه غربی رود اردن را اشغال کرد خاور نزدیک هنوز هم منطقه‌ای است که در حال بحران ابدی به‌سر می برد. گرایش اول مربوط به منطقه شام است. نظام پس از عثمانی که بر پایه ملی‌گرایی لائیک عربی شالوده‌ریزی شده بود متلاشی شد. عراق و سوریه که هسته این سامانه بودند حکومت مرکزی خود را از دست داده و این وضعیت در طول عمر نسل آینده ادامه خواهد یافت. زندگی سیاسی لبنان بی‌نهایت دستخوش قطب‌گرایی شده و اردن ظرفیت قبول پناهجویانش به ته کشیده شده و سیل آوارگان به آن کشور کاهش یافته و ذخایر طبیعی محدود آن تحت فشار اضافی قرار گرفته است. در اختلاف اسرائیل و فلسطین برای خروج از بن‌بست ابتکارهای جدیدی مطرح نمی‌شوند و راه حل آن دیده نمی‌شود. امکان دارد که فرآیند کوچ‌نشینی توده‌های عظیم مردم در داخل منطقه و به اروپا ادامه یابد. گرایش دوم با شمال آفریقا مربوط است. الجزایر، مصر و مراکش کشورهای پرجمعیت خواهند توانست نظام سیاسی اجتماعی ۶۰ سال اخیر را حفظ کنند که از سیستم استثماری به ارث بردند. ساختارهای حاکم این کشورها بر وفاق ملی و کسب حمایت از نهادهای با نفوذ متکی هستند (اتحادیه های زحمتکشان و مزرعه داران) و به‌علاوه از وسایل اجباری ثمربخش حمایتی بر خوردار می‌شوند. ولی این عوامل ضامن آن نشدند که دولت‌های این کشورها به راحتی به پیش حرکت کنند. آن‌ها مجبورند مساله انفجار شدید افزایش جمعیت جوانان را حل کنند. قرار است تا سال ۲۰۲۵ بیش از ۱۰۰ میلیون نفر از افراد جوان‌تر از ۳۰ سال در بازار داخلی این کشور ها ظاهر شوند. اکثرشان فاقد تحصیلات کامل بوده به این خاطر نخواهند توانست در فضاهایی کار کنند که ترفیع اجتماعی‌شان را تامین می‌کنند. بهترین زمینه‌های اشتغال برایشان گردشگری، امور ساختمانی و کشاورزی بود. ولی به خاطر اسلام گرایی جنگجو که سال های مدیدی آفریقای شمالی را تهدید خواهد کرد رشته گردشگری در این کشورها از بین می رود. همچنین سهم این کشورها در بازار اروپایی کاهش یافته و سرمایه‌گذاری‌ها در کشاورزی و ساختمان افت کرده و از این رو امکانات استخدام جوان‌ها به بنگاه ها دراین رشته ها محدود خواهد شد. همه این‌ها سبب آن خواهد شد که جوان‌ها بطور گسترده قیام کرده و بی‌نظمی‌ها در این کشورها شروع شده و تعداد زیاد مردم به اروپا مهاجرت خواهند کرد. ولی در حال حاضر اقتصاد کشورهای خلیج فارس در حال تجدید ساختار خود است و این گرایش سوم می باشد. در بسیاری نقاط تولید ارزش نرخ آن بالا می‌رود و در نتیجه وابستگی این کشورها به کارگران خارجی درجه پایین کمتر می‌شود و انتظار می‌رود که در سال‌های نزدیک کشورهای خلیج فارس تعداد کمتر کارگران دیگر کشورهای عرب را وارد کرده و حجم واردات سرمایه به این کشورها را نیز کمتر خواهند کرد. در کشورهای خلیج فارس حتی ممکن است بی ثباتی فزاینده ایجاد شود. چند کشور این منطقه و ایران دخیل جنگ نیابتی مذهبی در یمن هستند که در آینده قابل دید پایان نخواهد یافت. به‌علاوه چندی پیش پنج کشور سنی علیه قطر متحد شدند که در طول دهه‌ها سیاست خود را دنبال می‌کرد. تنش‌های بروز کرده در شبه جزیره عربستان می توانند بحران های سیاسی جدید را تحریک کنند. افراد جوان نسل تازه که نظرات پیشرفته دارند و خود را شهروند جهان احساس می کنند و خواستار اصلاحات می باشند. انجام اصلاحات هم ضرورت دارد و هم دشوار است. گرایش چهارم بسته به کل کشورهای عرب و نیز ایران و ترکیه است: نقش اجتماعی مذهب روز بروز مساله سازتر می شود. براثر جنگ‌ها و بحران‌های شش سال اخیر کل دستاوردهای اجتماعی حاصل شده به وسیله اسلام سیاسی طی ده سال پیش از «بهار عربی» نابود شد. حالا رادیکالیسم هر چه عمیق‌تر در جامعه رسوخ پیدا می‌کند و مسلمانان جوان بیشتر و بیشتر از درک خودی اسلام مبتنی بر علوم جدید دفاع می‌کنند و پیکار به‌خاطر روح اسلام دامنه‌دار می شود. رهبران عربی و خارجی نمی توانند این مسایل را فورا حل کنند، مخصوصا در شرایطی که در غرب عوام‌فریبی و ملی‌گرایی قوت می گیرند. ولی دست به اقدام زدن ضرورت دارد و باید نه موضوع ژئوپولیتیک بلکه بر مسایل اجتماعی اقتصادی متمرکز شد. غرب نباید این خیال خام داشته باشد که تجدید تقسیم مرزها و ایجاد کشورهای جدید یک نقشه با چشم‌انداز است. ولی یک طرح هست و آن تدوین نقشه مارشال ویژه کشورهای عرب است ولی در زمان ما این نقشه کارگر نیست. چون در دوره ما بسیاری کشورهای اروپا هزینه های خود را کاهش می دهند و محافل اجتماعی نیز ازاین نقشه جانب‌داری نخواهند کرد. هر طوری شده اکثر کشورهای عرب نمی‌توانند از این طرح در ابعاد کامل استفاده کنند. ولی سران کشورهای منطقه و خارج می توانند به سرمایه‌گذاری‌های گسترده و خوب اندیشیده شده در آموزش ابتدایی و دبیرستانی و در بازرگانی کوچک و متوسط که ستون فقرات کشورهای عرب را تشکیل می دهد و در منابع تجدید شونده انرژی سرمایه‌گذاری کنند.

پاورقی

در سایه تنش ریاض و دوحه، عربستان به دنبال عراق است

رسانه‌های عراقی می‌گویند که عربستان سعودی در بحبوحه تنش‌هایش با قطر تلاش‌های تازه و مجدانه‌ای را برای بهبود روابط با عراق آغاز کرده است و قصد دارد سطح روابط خود را با بغداد تا عالی‌ترین سطح گسترش دهد.

پایگاه عراقی ایراک تودی در این باره می نویسد، در آستانه سفر حیدر العبادی، نخست وزیر عراق به ریاض و دیدارش با ملک سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان، ریاض چهار نفر را به بغداد معرفی کرده و از آن خواسته است به اختیار خود یک نفر را به عنوان سفیر در خاک خود بپذیرد. ایراک تودی به نقل از منابع آگاه می نویسد: «ریاض در هفته‌های اخیر تمایل بسیاری به بهبود روابط سیاسی و اقتصادی با بغداد نشان داده و اعلام آمادگی کرده است که سفیر جدیدی را برای بغداد تعیین کند.» این منابع همچنین می گویند: «ریاض گام‌های عملی در این رابطه برداشته و چهار نفر را برای جانشینی ثامر السبهان، سفیر سابق به بغداد معرفی کرده و از مقامات عراقی خواسته است که به اختیار خود هر کدام را مناسب‌تر می‌بینند به عنوان سفیر کشورشان در عراق بپذیرند.»

به گفته این منابع: «سفر حیدر العبادی، نخست وزیر عراق به ریاض آغازگر مرحله تازه‌ای از روابط دو کشور خواهد بود و با تعیین سفرای دو کشور تقویت روابط دوجانبه دو کشور عملا آغاز خواهد شد.» پیش از این ثامر السبهان، سفیر عربستان در عراق بود که بغداد نسبت به رفتارها و مواضع تند او علیه نیروهای داوطلب مردمی و برخی اظهارات طایفه‌ای‌اش به شدت انتقاد داشت. به گونه‌ای که ابراهیم جعفری، وزیر امور خارجه عراق دو بار به طور رسمی از اظهارات وی به دولت عربستان شکایت کرده بود. با تشدید تنش‌های داخلی در عراق که جریان صدر مسبب آن بود، سبهان به ریاض فراخوانده شد و بعدا به عنوان وزیر امور کشورهای عربی شورای همکاری خلیج فارس در دولت عربستان منصوب شد. در حال حاضر عربستان سفیری در عراق ندارد. بنا بود سفر حیدر العبادی به عربستان سعودی امروز دوشنبه انجام شود اما دفتر عبادی در بغداد اعلام کرد زمان انجام این سفر به تعویق افتاده است. برخی منابع خبری می گفتند که عبادی در این سفر درباره کاهش تنش در روابط ریاض و دوحه نیز رایزنی خواهد کرد که دفتر عبادی چنین چیزی را تکذیب و اعلام کرد که این سفر به قصد میانجی گری میان عربستان و قطر انجام نمی شود.

با این حال سفر عبادی به عربستان در سایه تنش بی‌سابقه در شورای همکاری خلیج فارس از ابتدای جنگ خلیج فارس در ابتدای دهه نود قرن گذشته میلادی تاکنون، انجام می‌شود. نزدیک به دو هفته پیش کشورهای عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین، مصر، اردن، مغرب و موریتانی روابط خود را با قطر به طور کامل قطع کردند و سفرای خود را از دوحه فراخوانده و سفرای قطر را نیز از خاک خود بیرون راندند. عربستان از ترکیه و پاکستان نیز خواسته است که آن‌ها هم روابط خود را با قطر قطع کنند که تاکنون با مخالفت این دو کشور مواجه شده است. قرار است حیدر العبادی در راس هیئتی بعد از سفر به عربستان و کویت سفری رسمی به ایران نیز داشته باشد. در همین رابطه به گزارش المسله، حیدر العبادی روز شنبه با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد، سیاست خارجی دولتش مبتنی بر برتری دادن به مصالح و منافع عراق و ملت آن بر هر چیزی است و در همین راستا بر دوری از تنش‌ها و جبهه‌بندی‌ها و جذب دوستان به جای افزودن به دشمنان تاکید دارد. وی در این بیانیه همچنین تاکید کرد، تصمیم ما ثابت است، اجازه نمی‌دهیم هیچ کشوری از اراضی ما برای دشمنی با هر کشور همسایه دیگری استفاده کند. عراق باید سرزمین دوستی‌ها و نه دشمنی ها و تخاصم ها باقی بماند. ما نمی‌خواهیم سرزمینمان به جنگ نیابتی دیگران تبدیل شود. عبادی در ادامه بیانیه خود به سفر منطقه ای خود نیز اشاره و بیان کرد، این سفر منطقه ای از پیش برنامه ریزی شده است، و هدف از آن ایجاد روابط خوب با همسایگان به دور از هر گونه تنش و بر اساس تفاهم های دو جانبه در راستای مبارزه جدی با تروریسم است.

مصوبه تحریم‌های سنا علیه ایران، مانع قانونی دارد

روزنامه واشنگتن‌پست نوشت مانع پیش آمده از تبدیل شدن سریع طرح تحریم‌ها علیه ایران و روسیه به قانون جلوگیری می‌کند. نمایندگان مجلس سنای آمریکا دو هفته پیش طرحی را با ۹۸ رأی موافق و ۲ رأی مخالف به تصویب رساندند که خواستار اعمال تحریم‌های جامع علیه ایران است. در این طرح، تحریم‌هایی را هم علیه روسیه در نظر گرفته شده است.

روزنامه واشنگتن‌پست گزارش داده اعضای مجلس نمایندگان در هفته جاری گفته‌اند این مصوبه ناقض بندی از قانون اساسی آمریکا است که به موجب آن تنها مجلس نمایندگان می‌تواند آغازگر طرح‌هایی باشد که به افزایش درآمد دولت منجر می‌شود.حل و فصل این موضوع مسئله ساده‌ای نیست، چرا که تسریع روند بررسی طرح‌های قانونی سنا نیازمند رضایت متفق‌القول است و جمهوری‌خواهان در حال آماده شدن برای ارائه قانون خدمات بهداشتی در صحن علنی سنا هستند. یک منبع در مجلس نمایندگان آمریکا روز سه‌شنبه به واشنگتن‌پست گفت که این طرح تحریمی برای بررسی موارد متناقض با قانون اساسی روی میز مجلس نمایندگان آمریکا متوقف مانده است.

بخشی از مصوبه سنا که به تحریم‌های روسیه مربوط می‌شود اختیارات دونالد ترامپ برای کاهش تحریم‌ها علیه روسیه را محدود می‌کند.

اعضای دموکرات کنگره آمریکا به همین دلیل معتقدند که مانع‌تراشی آیین‌نامه‌ای مجلس نمایندگان آمریکا در واقع تلاشی از جانب جمهوری‌خواهان برای تأخیر در فرآیند قانون‌گذاری مصوبه سنا است.

چرا عربستان مدعی دستگیری اعضای سپاه پاسداران شد؟

تنها یک روز پس از آن که ایران یک مقر داعش را در دیرالزور سوریه هدف حمله موشکی قرار داد، وزارت کشور عربستان سعودی مدعی بازداشت ۳ نفر از نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در نزدیکی میدان نفتی مرجان شد.

به گزارش الوقت، وزارت اطلاعات عربستان سعودی روز دوشنبه ۲۹ خرداد مدعی شد که سه عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را که روز جمعه سوار بر یک قایق حامل سلاح به سکوهای نفتی مرجان این کشور در خلیج فارس نزدیک می‌شدند را دستگیر کرده است.

این خبر را پایگاه العربیه عربستان نقل کرد و در ادامه مدعی شده است که دو قایق دیگر فرار کرده اند، اما دولت عربستان سعودی در حال بازجویی از سه عضو دیگر بازداشت شده است.

ادعای بازداشت سه نظامی عربستان سعودی همزمان با انتشار خبر شلیک منجر به فوت نیروهای مرزی عربستان سعودی به صیادان ایرانی و یک روز پس از انتشار خبر جهانی حمله موشکی از خاک ایران به مقر سران داعش در دیرالزور سوریه قابل توجه به نظر می رسد.

صیادان ایرانی یا نظامیان ایران:

ادعای عربستان سعودی در مورد بازداشت سه نیروی نظامی ایران در حالی مطرح شده است که همزمان خبرگزاری‌های محلی در جنوب ایران از کشته شدن یک صیاد ایرانی بر اثر شلیک نیروهای مرزی عربستان خبر داده‌اند.

در عکس‌ها و گزارش‌های منتشر شده از استان بوشهر در جنوب ایران، مردم محلی از شرکت در مراسم تشییع صیاد بوشهری سخن می‌گویند که بر اثر شلیک نظامیان عربستان سعودی در خلیج فارس جان خود را از دست داده است.

براین اساس به نظر می رسد ادعای وزارت کشور عربستان سعودی در مورد دستگیری سه نظامی ایرانی، در واقع مرتبط با حمله نیروهای سعودی به صیادان ایرانی باشد که یکی از آنان نیز بر اثر تیراندازی کشته شده است.

این در حالی است که بلافاصله پس از انتشار خبر دستگیری نظامیان ایرانی توسط عربستان سعودی، مجید آقابابایی، مدیرکل امور مرزی وزارت کشور ایران در گفت و گو با خبرنگاران، ضمن تکذیب ادعاهای مقامات عربستان اعلام کرد: این موضوع مربوط به دو قایق ماهیگیری ایرانی است.

در ارتباط با این حادثه وزارت کشور ایران نیز اعلام کرده است که ۲ قایق ایرانی که در حال ماهیگیری در آب های خلیج فارس بودند بر اثر امواج دریا از مسیر خود خارج شده اند.

گفته شده است نیروهای عربستان سعودی بدون تأیید این مسئله که قایق‌های ایرانی وارد مرزهای عربستان شده اند یا نه، اقدام به تیراندازی به سوی قایق‌های ایرانی کرده اند که در این میان یک صیاد ایرانی بر اثر اصابت تیر به کمرش کشته می شود.

دولت ایران همزمان با این حادثه اعلام کرد این کار عربستان مطابق با اصول انسانی نبوده و حتی با فرض ورود قایق‌های ایرانی به مرزهای عربستان بر اثر امواج دریا آنها مجاز به شلیک به سوی قایق‌های ایرانی نبودند. وزارت کشور ایران همچنین افزود که ما در حال پیگیری این موضوع هستیم تا مشخص شود که آیا قایق‌های ایرانی وارد مرز عربستان شده بودند یا خیر. این کار عربستانی‌ها مطابق با اصول انسانی و دریانوردی نبوده است.

بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، هم روز شنبه گفت که موضوع «کشته شدن یک صیاد بوشهری در تیراندازی گارد مرزی عربستان سعودی» از سوی دستگاه‌های مسئول در حال بررسی است.

هر چند که ورود ماهیگیران ایرانی به آب های کشورهای حاشیه خلیج فارس و دستگیر شدن آنان در سال های گذشته سابقه داشته، اما شلیک به ماهیگیران و کشته شدن آنان در سال های اخیر بی سابقه بوده است.

با این حال سوال اینجاست که چرا شلیک مرگبار به سوی صیادان ایرانی از جانب عربستان سعودی تحت عنوان بازداشت و فرار تعدادی از نظامیان سپاه پاسداران مطرح شده است؟

انحراف افکار عمومی همزمان با ایران هراسی:

اگرچه ادعای بازداشت سه نظامی ایرانی در آب‌های مرزی عربستان سعودی در واقع همزمان با حادثه تیراندازی مرگبار علیه صیادان ایرانی در خلیج فارس بود، اما از طرف دیگر همزمانی این ادعا با خبر حمله موشکی از ایران علیه مقر سران داعش در دیرالزور سوریه اقدامی هدف دار به نظر می رسد.

روز دوشنبه حمله موشکی از خاک ایران به مقر داعش در سوریه در صدر اخبار تقریباً تمام خبرگزاری‌های بین‌المللی قرار گرفت و به تحلیل آن پرداختند، اما این رویه در میان خبرگزاری العربیه عربستان دیده نشد.

برخلاف عملکرد همیشگی العربیه فارسی که تحولات ایران را با دقت زیادی زیرنظر دارد، اما خبر حمله موشکی ضد داعش ایران در این خبرگزاری با تاخیر ۴ ساعته و در بخش‌های عربی و انگلیسی آن هم یک روز بعد و در قالب خبری کوتاه بازتاب داده شد.

این در حالی بود که سایر خبرگزاری‌های بین‌المللی از جمله سی.ان.ان و رویترز با پرداختن به این موضوع، اقدام نظامی ایران را به مثابه واکنش علیه حادثه ترورویستی اخیر داعش در تهران ارزیابی کردند. در این شرایط اما سکوت العربیه عربستان و انتشار با تاخیر این خبر بسیار معنادار صورت گرفت.

با این حال به نظر می‌رسد روش هدف دار العربیه در عدم پوشش خبری اقدام موشکی ایران علیه داعش تنها در قالب سکوت خبری و سپس انتشار با تاخیر موضوع خلاصه نشده است و فراتر از آن مقامات رسانه ای عربستان در اقدامی قابل تامل با هدف انحراف افکار عمومی و جلب توجهات رسانه ای از موضوع مهم حمله موشکی ایران، ادعای دستگیری سه عضو سپاه پاسداران را مطرح کرده تا با این اقدام بتوانند دامنه انتشار گسترده اقدام موشکی ایران را در رسانه‌ها کاهش دهند.

از سوی دیگر این نخستین بار نیست که پایگاه خبری العربیه در رویکرد ضدایرانی خود اقدام به فضاسازی و خبرسازی می کند. پیش از این نیز العربیه همسو با رویکرد ایران ستیزانه خود اقدام به خبرسازی علیه برخی مقامات دولتی در ایران کرده بود. از جمله این خبرگزاری در زمان دولت محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور سابق ایران، اقدام به خبرسازی در مورد حادثه مرگبار برای برخی وزاری دولت ایران، از جمله غلامحسین الهام، وزیر دادگستری وقت نمود، که بلافاصله از جانب مقامات ایران تکذیب شد.

همچنین فضاسازی و شایعه پراکنی العربیه تنها به رویکردهای ضدایرانی این رسانه عربستانی محدود نمی‌شود، بلکه سال گذشته نیز طالبان افغانستان، خبرسازی العربیه در مورد دعوت از طالبان در کنفرانس وحدت اسلامی در تهران را تکذیب کردند.

براین اساس باتوجه به سابقه نامطمئن و غیرموثق پایگاه العربیه از یک طرف و همچنین زمان انتشار خبر دستگیری نظامیان ایرانی همزمان با اقدام ضدتروریستی ایران علیه داعش در سوریه، به نظر می رسد خبرسازی العربیه در مورد بازداشت اعضای سپاه پاسداران نیز با هدف انحراف افکارعمومی و همچنین تداوم جو ایران هراسی و ضد ایرانی دنبال شده است. اقدامی که با توجه به سوابق قبلی پایگاه العربیه عربستان چندان عجیب به نظر نمی رسد.

در سایه تنش ریاض با دوحه

ملک سلمان خطاب به نواز شریف: روشن کن با مایی یا با قطر؟!

روزنامه «دی اکسپرس تریبیون» که شاخه پاکستانی روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز است، روز چهارشنبه ۱۴ ژوئن به نقل از یک مقام عالی رتبه دیپلماتیک نوشت که «ملک سلمان، پادشاه عربستان شخصا از نواز شریف، نخست وزیر پاکستان به صراحت پرسیده است که آیا تو با مایی یا با قطر؟»

دیپلماسی ایرانی: عربستان سعودی اقدامات عملی برای تحت فشار گذاشتن پاکستان برای اتخاذ مواضعی در جهت تایید مواضعش را آغاز کرده است. ریاض از اسلام آباد می‌خواهد که در بحران پیش آمده میان خودش، امارات متحده عربی و بحرین با قطر یکی را انتخاب کند، یعنی یا جانب قطر را بگیرد یا به جبهه عربستان بپیوندد. آن‌طور که نشریه نیوزویک، در شماره روز جمعه ۱۶ ژوئن خود نوشته اسلام‌آباد تاکنون تلاش کرده در این قضیه بی طرف بماند و رد کرده است که جانب کسی را بگیرد.

از سوی دیگر روزنامه «دی اکسپرس تریبیون» که شاخه پاکستانی روزنامه امریکایی نیویورک تایمز است، روز چهارشنبه ۱۴ ژوئن به نقل از یک مقام عالی رتبه دیپلماتیک نوشت که «ملک سلمان، پادشاه عربستان شخصا از نواز شریف، نخست وزیر پاکستان به صراحت پرسیده است که آیا تو با مایی یا با قطر؟»

نگرانی های پاکستان

در حالی که پاکستان حمایت صریح از عربستان در بحران فعلی اش با قطر را رد کرده، برخی گزارش ها حاکی از آن است که سیاست متزلزل ترامپ در بعد خارجی ممکن است اسلام آباد را بر آن دارد که با استفاده از نفوذش برای حل بحران میان کشورهای عربی حوزه خلیج فارس موافقت کند.

انزوای ناگهانی قطر از سوی کشورهای عربی شورای همکاری به ویژه عربستان باعث نگرانی پاکستان شده است، اسلام‌آباد که همانند ریاض متحد ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شود، دائما مورد اتهام حمایت از تروریسم قرار گرفته است. کشورهای جنوب شرق آسیا از جمله افغانستان و هند که همسایگان پاکستان محسوب می‌شوند، این کشور را متهم به حمایت از گروه‌های مسلح تروریستی می کنند.

در گذشته و در زمانی که ایالات متحده دریافته بود که پاکستان اسامه بن لادن، رهبر القاعده را در مجموعه‌ای در شهر ابوت آباد مخفی کرده است، به شدت از این کشور خشمگین شد و روابط دو کشور دچار دگرگونی شد. شاکیل افریدی، پزشک پاکستانی که به امریکایی ها کمک کرد تا مخفیگاه بن لادن را کشف کنند به اتهام خیانت به ۳۳ سال حبس محکوم شد. به نوشته نشریه نیوزویک، ایالات متحده و پاکستان تا چند سال همکاری نظامی با یکدیگر نداشتند تا این که در سال ۲۰۱۶ باراک اوباما، رئیس جمهوری سابق ایالات متحده به پاکستان پیشنهاد همکاری داد و به دنبال آن یک میلیارد دلار کمک نظامی و غیرنظامی به این کشور کرد. درحال حاضر دولت دونالد ترامپ در حال بررسی قطع بخش اعظم این کمک ها به پاکستان است. به گزارش شبکه تلویزیونی NDTV هند، رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه امریکا در این باره گفته است: «رئیس جمهور به طور روشن و مشخص از ما درباره حجم و سطح حمایت و کمک‌ها به پاکستان پرسیده است. البته هنوز هیچ تصمیمی برای قطع کمک ها به پاکستان گرفته نشده است.»مدت کوتاهی بعد از پایان سفر دونالد ترامپ به منطقه، کشورهای بحرین، امارات متحده عربی، مصر و عربستان سعودی تمامی روابط خود را با قطر قطع کردند و این کشور را متهم به همراهی و حمایت از تروریسم در منطقه کردند. از آن موقع تا کنون عربستان سعودی تلاش های مضاعفی را برای منزوی کردن این کشور کوچک شبه جزیره عربستان آغاز کرده است. مدت کوتاهی بعد از این قطعی روابط کشورهای موریتانی و کومور نیز به جمع عربستان و متحدانش پیوستند و مشابه همین اتهام ها را به قطر وارد کردند. قطر این اتهامات را به طور کامل رد کرده است. دوحه می گوید این حملات افتراآمیز و اظهارات سراسر کذب با هدف تحمیل اراده دیگران بر منافع ملی اش صورت گرفته است.

ابعاد جدیدی از حمایت اسرائیل از تروریست‌های سوریه

به گزارش پایگاه روسیا الیوم، شش سرکرده گروه‌های مسلح سوری و سه شخصیت آگاه نسبت به سیاست‌های پنهان رژیم صهیونیستی این مطلب را به مجله وال استریت ژورنال گفتند. آنان گفتند که تل آویو کمک‌های مختلفی به گروه‌های مسلح مخالف بشار اسد رییس جمهور سوریه و هم‌پیمانان ایرانی، لبنانی و روس وی برای تحقق این هدف ارائه داده است.

گزارش این روزنامه افزود که اسرائیل سال ۲۰۱۶ یک واحد نظامی ویژه برای نظارت بر هماهنگی توزیع کمک‌های ارائه شده – که به شکل پرداخت حقوق، خرید سلاح و مهمات است – تشکیل داد.

ایهود یعاری تحلیل‌گر معروف اسراییلی در این باره گفت که اسراییل نام «همسایه خوب» را برای عملیاتش در ارتفاعات جولان برگزیده و این فعالیت سری اسراییلی تحت نظارت موشه یعلون وزیر سابق دفاع اسراییل است.

«معتصم الجولانی» سخنگوی گروه مسلح «جنگجویان جولان» به این روزنامه گفت که اسراییل به شکلی قهرمانانه در کنار ما ایستاده است.

وی اعتراف کرد که اگر کمک اسرائیل نبود افراد مسلح قادر به پایداری نبودند. ابوصهیب فرمانده یک گروه مسلح دیگر گفت که ماهانه ۵ هزار دلار از اسراییل دریافت می‌کند و گروهش از سال ۲۰۱۳ پس از حمله ارتش سوریه با اسرائیل تماس برقرار کرد و خواستار معالجه مجروحان خود شده بود.

وی افزود که این تماس نقطه عطفی بود که پس از آن اسرائیل اقدام به ارسال کمک و پول کرد که بقیه گروه‌های مشابه را نیز شامل شده بود.

یک فرد مسلح عضو گروه «لواء الرحمن» در جولان به این روزنامه گفت که عمده اشخاص خواستار همکاری با اسرائیل هستند.

گروه جنگجویان جولان در قنیطره در ارتفاعات جولان مستقر بوده و شامل ۴۰۰ فرد مسلح است که با چهار گروه شورشی مشابه هم پیمان بوده و از اسرائیل کمک دریافت می‌نماید. وال استریت ژورنال به نقل از اشخاص مسلح در این منطقه گزارش داد که حدود ۸۰۰ شوروشی در ۱۲ روستا و هزاران غیرنظامی ساکن این مناطق با حمایت اسرائیل زندگی خود را می‌گذرانند.

روزنامه تایمز اسرائیل نیز گزارش داد که ارتش اسرائیل درباره این گزارش معتقد است که اسرائیل متعهد به تامین امنیت مرزهای خود و جلوگیری از ایجاد هسته‌های تروریستی و نیروهای متخاصم و ارسال کمک‌های انسان دوستانه برای سوری‌های ساکن این منطقه است.

بیعت با محمد بن سلمان در مکه

به گزارش مهر به نقل از شبکه العربیه، بعد از صدور فرمان پادشاهی سلمان بن عبدالعزیز پادشاه عربستان برای برکناری محمد بن نایف از ولایت عهدی و انتخاب پسرش محمد بن سلمان به عنوان ولیعهد، چهارشنبه شب با محمد بن سلمان به عنوان ولیعهد جدید عربستان در مکه بیعت شد.

ساعتی پیش از این تصمیم سلمان بن عبدالعزیز پادشاه عربستان با صدور فرمانی پادشاهی محمد بن سلمان را به عنوان ولیعهد و معاون رئیس شورای وزیران با حفظ سمت وزیر دفاع اعلام کرد.

این اولین بار در تاریخ عربستان است که حکومت از پدر به پسر منتقل میشود، از زمان تأسیس پادشاهی آل سعود تخت و تاج از برادر به برادر منتقل می‌شده است. با توجه به اختلافات داخلی آل سعود بعد از شکست‌های محمد بن سلمان در جنگ یمن، احتمال مخالفت با این تصمیم نیز وجود دارد.

بر اساس فرمان پادشاهی که در خبرگزاری رسمی عربستان واس منتشر شده، پادشاه عربستان محمد بن نایف برادر زاده خود را از ولیعهدی و معاونت رئیس شورای وزیران و وزارت کشور برکنار کرده است.

بر اساس این خبر عبدالعزیز بن سعود بن نایف بن عبدالعزیز وزارت کشور را بعد از محمد بن نایف برعهده خواهد داشت و بندر بن فیصل بن بندر بن عبدالعزیز معاون سازمان استخبارات (اطلاعات) عربستان شده است.

این خبر در حالی منتشر شده که عزل و نصب‌های اخیر پادشاه عربستان حاکی از تلاش او برای کم کردن دامنه قدرت محمد بن نایف ولیعهد این کشور بود. بعد از بحرانی که عربستان و امارات برای قطع روابط با قطر ایجاد کردند، مجتهد فعال و افشاگر توییتری در توییتی اعلام کرده بود که محمد بن سلمان با حمایت امارات به دنبال دست یابی به تاج و تخت پادشاهی در این کشور است به این ترتیب حالا محمد بن سلمان فقط یک مرحله با تبدیل شدن به شاه عربستان فاصله دارد.

در ادامه فرمان‌های پادشاهی صادر شده عبدالعزیز بن فهد بن ترکی بن عبدالعزیز به عنوان امیر منطقه جوف، عبدالله بن خالد بن سلطان بن عبدالعزیز مشاور دیوان پادشاهی، خالد بن بندر بن سلطان بن عبدالعزیز سفیر عربستان در آلمان، عبدالعزیز بن ترکی بن فیصل بن عبدالعزیز معاون مدیر عامل هیأت ورزش عربستان، بندر بن خالد بن فیصل بن عبدالعزیز مشاور دیوان پادشاهی، احمد بن سالم معاون وزیر کشور، ترکی بن محمد بن فهد بن عبدالعزیز مشاور دیوان پادشاهی و عبدالرحمن الربیعان مشاور دیوان پادشاهی انتخاب شدند.

طبق دستور جدید پادشاه عربستان قانون نظام سلطنتی تغییر یافته و شاه باید یکی از فرزندان یا فرزند اصلح فرزندان پادشاه مؤسس (عبدالعزیز بن عبدالرحمن الفیصل آل سعود) باشد.

از تجزیه سودان تا اربیل!

شش سال و نیم پیش یعنی در روزهای ابتدایی ژانویه سال ۲۰۱۱ میلادی وقتی برای اولین سفر به‌عنوان مستندساز بحران به سودان جنوبی می رفتم هیچ‌گاه به ذهنم هم خطور نمی‌کرد که به جای چند هزار کیلومتر سفر، تنها با چند صدکیلومتر طی طریق به قلب بحران‌های جهان برسم. فراموش نکنیم که خاورمیانه همیشه مهد بحران‌ها بوده؛ اما اتفاقاتی که از سال ۲۰۱۱ رخ داد چهره ی خاورمیانه را به طور کلی تغییر داد. در آن سال و در آن ماه مهم‌ترین رخداد جهان تجزیه شدن بزرگ ترین کشور آفریقایی یعنی سودان بود. کشوری که قریب به ۵۰ سال در بخش‌های جنوبی خود درگیر جنگ داخلی بود. جنگ میان قبایل جنوبی با دولت مرکزی و همین قبایل با خودشان. حالا جنوب سودان با اکثریت جمعیتی مسیحی داشت از کشور مادر جدا می‌شد و البته یک عامل مهم وجود داشت که تمام قدرت‌های بزرگ جهان از این تجزیه حمایت کنند و آن وجود منابع مهم نفتی و معدنی در جنوب سودان بود؛ به این‌ها اضافه کنید امکان کنترل یکی از دو شاخه ی اصلی رود نیل که از جنوب سودان و امروزه سودان جنوبی می گذشت.

همزمان با رسیدن ما به سودان جنوبی تونس و بعد مصر درگیر ناآرامی‌های فزاینده شدند و بعد زمانی که ما از به ایران بازگشتیم سوریه. در آن روزها مردم کشوری که قرار بود تولدش مهم‌ترین بحران جهانی باشد خودشان با کنجکاوی به صفحه تلویزیون و اخبار الجزیره خیره شده بودند؛ فرقی نمی کرد در جوبا [مرکز جنوب سودان] یا خارطوم پایتخت سودان تنها تفاوتش در این بود که جنوب سودانی‌ها الجزیره انگلیسی می‌دیدند و شمالی‌ها عربی. اما هر دو یک ماجرا را دنبال می‌کردند؛ بهاری عربی که سال‌ها بعد به پاییزی از تروریسم منتهی شد. اما آن چیزی که سبب یادآوری رخدادهای آن سال‌ها شد نه بهار عربی بود و نه ماجراهای الجزیره. یک ماجرای تکراری و آن «تجزیه» است. ریک ماشار معاون رییس جمهور سودان جنوبی بالاترین مقامی بود که در آن سفر موفق شدیم تا با او به گفت و گو بنشینیم. تحصیل کرده بود و فارغ‌التحصیل رشته مهندسی برق. وقتی از او درباره ترسش از اختلافات قبیلگی بعد از استقلال پرسیدم، گفت ما همه تنوع های‌مان از قومیتی گرفته تا دینی و .. را به رسمیت می‌شناسیم؛ سال‌هاست که درگیر جنگ بودیم و نمی خواهیم دوباره به این کابوس رجوع کنیم؛ اختلافی نخواهد بود. دولتمردان جنوب سودانی معتقد بودند تجزیه و جدایی از سودان تنها راهی است که می‌شود از نبردهای خونین جلوگیری کرد و البته امیدوار بودند تا با استخراج و فروش بخش اعظم نفت سودان که در جنوب بود می‌توانند زندگی مرفهی به مردم‌شان هدیه دهند. حرف‌های بارزانی در گفت و گوی با فارین پالیسی من را به یاد گفته‌های ریک ماشار انداخت. بارزانی هم برای جلوگیری از جنگ می‌خواهد اقلیم را مستقل کند؛ اما ای کاش می‌شد تا ریک ماشار امروز و نه ۲۰۱۱ تجربیاتش را برای بارزانی بازگو می‌کرد. ریک ماشار امروز فرمانده نیروهای شورشی سودان جنوبی است که علیه دولت رسمی جوبا می‌جنگد و سودان جنوبی سال‌هاست که رنگ آرامش را ندیده و مردمش در اردوگاه‌های آوارگان با گرسنگی دست و پنجه نرم می‌کنند. راستی شرکت‌های نفتی آمریکایی و اروپایی در تمام طول دوران جنگ داخلی سودان در دهه ۸۰ و ۹۰ به کارشان ادامه می‌دادند و شاید هنوز هم مشغول استخراج نفت باشند.